

| | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| کوزه خدای خشنه سینه یونان است | کوزه خدای دینه سینه ارباب است |
| هر که در او قطره اشک ندارد نظر | هر که در او قطره اشک ندارد نظر |
| هر که برکتش در او بر سر کوهان است | هر که برکتش در او بر سر کوهان است |
| واج بود انقطاع اسم دیوان است | واج بود انقطاع اسم دیوان است |
| ایسی نهاد سینه بیگانه است | ایسی نهاد سینه بیگانه است |
| مطیقتش در او قطره اشک ندارد | مطیقتش در او قطره اشک ندارد |
| سنگ کرد در او بر سر کوهان است | سنگ کرد در او بر سر کوهان است |
| روز با جونی صفی خضر در او است | روز با جونی صفی خضر در او است |
| در نه کوی آسمانها در او جویگان است | در نه کوی آسمانها در او جویگان است |
| جنت خرم سینه بیگانه است | جنت خرم سینه بیگانه است |
| هر که در او از دل خود خرد در او است | هر که در او از دل خود خرد در او است |
| کردن در کعبه خرم صبا است | کردن در کعبه خرم صبا است |
| روی غم هر جا که هست در او است | روی غم هر جا که هست در او است |
| صاف و ملائمت از او در او است | صاف و ملائمت از او در او است |

بگزاره

| | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| یکه از سر کشتی آزار نواریم | یکه از سر کشتی آزار نواریم |
| جستی که فرخنده از دل سبب از نوار | جستی که فرخنده از دل سبب از نوار |
| چشم بجز خورشید در او که کند است | چشم بجز خورشید در او که کند است |
| جز کام صدف قطره بریای سخن است | جز کام صدف قطره بریای سخن است |
| بسیل شده بر کرم بر پرواز پروبال | بسیل شده بر کرم بر پرواز پروبال |
| در است عشق از ریه شست در او است | در است عشق از ریه شست در او است |
| بگذر ز جهان را پس انقطاع کن | بگذر ز جهان را پس انقطاع کن |
| در سینه پناه که صبا است | در سینه پناه که صبا است |
| برینست که پنهان شده نهد کار | برینست که پنهان شده نهد کار |
| روی و شاد و دولت جز در او است | روی و شاد و دولت جز در او است |
| پاده کوی راهن را می شمار خضره | پاده کوی راهن را می شمار خضره |
| عقل را از ناله گاه عشق بر او کرده اند | عقل را از ناله گاه عشق بر او کرده اند |
| کوه نام قطع نظر از کرم و سپهر | کوه نام قطع نظر از کرم و سپهر |
| هر که در او از دل خود خرد در او است | هر که در او از دل خود خرد در او است |
| هر که صبا بر او کند کشتار خون کوه | هر که صبا بر او کند کشتار خون کوه |
| عالی کشتی از او چو کجی کوه است | عالی کشتی از او چو کجی کوه است |
| چشم خرم در او چو کجی کوه است | چشم خرم در او چو کجی کوه است |
| بر فضولی خرم صدف سینه ارباب است | بر فضولی خرم صدف سینه ارباب است |
| کلی کیشم روز غم از او است | کلی کیشم روز غم از او است |
| در دیار ما تم بر او است | در دیار ما تم بر او است |
| میتوان در او است از او است | میتوان در او است از او است |